

در داخل و بیرون حکومت «وحدت ملی» هستند گروه های تبهکار و خیانت پیشه ای که مذبحخانه تلاش دارند به فرمان بیگانه ها آتش جنگ های تباری و قومی را بین اقوام و ملیت های با هم برادر در افغانستان مشتعل بسازند

هموطنان در دیده بیاپید تا اندازه توان خود با گفتار و نوشتار از وقوع یک فاجعه بزرگ انسانی در کشور جلوگیری نماییم!

درست یک سال پیش در ماه اکتوبر سال پار در ارتباط به حادثه خونین قندز مقاله ای زیر عنوان «چند سخن کوتاه پیرامون "ستونهای" ارگ بی سقف ریاست جمهوری افغانستان و دغدغه های اطراف جنگ قندز و شمال این کشور» در چند سایت فارسی نویسی از این قلم به نشر رسیده بود، متن زیر قسمتی از آن مقاله می باشد، که بعد از ویرایش و بازنگری مجدداً به دست نشر سپرده می شود.

.....

آنچه که مسلم است قندز و شمال کشور از اهمیت خاص اهداف منطقه یی ابرقدرت ها برخوردار است، تعبیر نادرست نشود قصد ندارم هموطنانم را به شمالی و جنوبی و پشتون و غیر پشتون تقسیم نمایم، اما حقیقت را همانطوری که است باید بیان نمود، بعضی از نویسندگان و گویندگان به نسبت های قومی و تباری شان حقایق جنگ قندز را وارونه جلوه می دهند، بخاطر داشته باشند که سقوط قندز موقتی هم که اگر باشد، در هر حال قومی ساختن این جنگ در شمال، که بُعدی از یک پروژه کلان شیطانی است، اگر به موقع جلو آن گرفته نشود، آغاز یک فاجعه بزرگ انسانی در شمال و بعدش در کل کشور و منطقه خواهد بود، حوادث خونبار سال های نود میلادی شهر کابل و حومه آن از خاطره های هموطنان ما هرگز زدودنی نیست، متأسفانه همسایه ها (منظورم اتباع و شهروندان بعضی کشورهای همسایه است) از وقوع چنین خطر بزرگ هنوز غافل اند؛ آنها فکر می کنند که دولت‌مردان ظالم شان افغانستان را آتش زدند، اما دود و حرارت داغش به مُلک و دیار آنها نمی رسد، نه، خدای نا خواسته آنروز نیاید و نباید، که اگر رهبران کشورهای همسایه به فرمان ارباب کل باز آتش جنگ قومی را در افغانستان مشتعل بسازند، خوب بخاطر داشته باشند که شعله های بلند و طویل آن خارج از مرزهای کشور ما فرسنگ ها دور، تر و خشک را خواهد سوزاند؛ چون بعضی از کشورهای منطقه مانند پاکستان و ایران خودشان با چالش های بزرگ قومی و مذهبی سخت روبرو اند. بنابراین هر قدر که این جنگ رنگ و بوی قومی بگیرد به همان اندازه دشمنان اوضاع کشور ما را بحرانی تر ساخته و بیشتر به ارتش ذخیره طالبان و داعش و سایر تروریستان از میان هموطنان ما بخصوص جوانهای فقیر و بی واسطه در مناطق پشتون نشین سرباز گیری خواهند کرد و هر قدر که دهشت افکنان بین المللی اقوام و ملیت های افغانستان را بیشتر از هم دور بسازند به همان اندازه موفق خواهند شد تا در منطقه حضور نظامی خود را بیشتر تحکیم بخشیده و زمان حاکمیت مافیای قدرت و حکومت های مزدور و فاسد شان را طولانی تر و طولانی تر ساخته باشند و بدینوسیله مردم ستمدیده افغانستان را هرچه بیشتر بیمار تر، فقیر تر، بی سواد تر، محتاج تر، مهاجر و آواره و دربردار بسازند. با تأسف آنطوری که در بالا ذکر شد در حادثه خونبار ولایت قندز طالبان به اشاره سازمان استخبارات پاکستان بیشتر غیر پشتون ها را هدف قرار داده و به قتل رسانده اند تا مانند سالهای نود میلاد (جنگ های میانگروهی تنظیمهای جهادی) یک بار دیگر اقوام و ملیت های با هم برادر افغانستان را بنام پشتون و غیر پشتون در برابر هم قرار داده باشند و از این طریق آتش جنگ های قومی و تباری و مذهبی را به آنسوی مرزهای شمالی کشور به آسیای مرکزی و قفقاز انتقال دهند؛ چون ولایت قندز و دیگر ولایات همجوار در همسایگی جمهوری های سابق اتحاد شوروی، بویژه

آسیای مرکزی بحیث یک معبر و گذرگاه مهم سوق الجہشی از موقعیت خاص و پر اهمیت اهداف ژئوپلیتیک قدرت های بزرگ همیشه بر خوردار بوده و است.

هموطن عزیز! از ارگ نشینان و ستون پنجم و ششم شان هیچ انتظاری نباید داشته باشیم، چون سالهاست که آنها از دوره های انتقالی و اداره موقت گرفته تا حکومت «وحدت ملی» آب را گل آلود نموده ماهی می گیرند، آنها خودشان مستقیم و یا غیر مستقیم اختلافات قومی و زبانی را مکرراً در جریان چهارده سال اخیر در ظاهر با شعار "تغییر" دامن زده اند و هنوز هم با "تحول و تداوم" خاص دامن زده روان اند. روزها و شب های پر جنجال کامپاین انتخاباتی ریاست جمهوری اخیر هنوز در خاطره ها تازه است که طرفداران آقایان غنی و عبدالله و معاونین شان نزدیک بود مردم افغانستان عزیز را با خشم و تهدید و زور گویی ها، که اگر به فلان کاندید رای ندهید چنین می کنیم و چنان... از شمال گرفته تا به جنوب و از شرق تا به غرب بنام تاجیک و پشتون و اوزبیک و هزاره ...چند قسمت نموده و هموطنان ما را بین هم درگیر بسازند، دردمندان تا جایی چنین هم کردند. با قومگرایان و ناسیونالیست های افراطی از هر قوم و تباری که هستند حرف و سخنی ندارم، چون آنها نیز حد اقل در جریان چهارده سال اخیر خود شان بحران زا و مشکل آفرین بوده اند، که غالباً بغیر از پشتون ستیزی، افغان ستیزی، فارسی ستیزی، جهالت، تعصب، شر اندازی، توهین و تحقیر هموطنان، فحش گفتن و ناروا گفتن به آدرس اقوام با هم برادر افغانستان حتی در رسانه ها و تلویزیونهای دولتی و صفحات فیس بوک و سایر سایت های انترنیتی به هیچ چیزی سازنده ای در گذشته هم اندیشه ای نداشته اند و حال هم هرگز نمی اندیشند. بنابراین در اینجا باز هم روی سخنم بخصوص بسوی آن عده جوانان پشتون و غیر پشتون است، به آنهایی که دل شان به حال وطن و هموطن شان صادقانه می سوزد، اما متأسفانه اینجا و آنجا در ارتباط به تحریک طالبان و حوادث و جریانات داخلی کشور یک مقدار با دید قومگرایی و قوم پرستی می نگرند که به نظر من اشتباه می کنند، اشتباه بزرگ، که قضاوت شان از روی احساسات و کاملاً نادرست است؛ چون هیچ مسلمان و غیر مسلمان بالغ و با خردی هرگز اعمال وحشیانه داعش و طالبان را که هر دو دو روی یک سکه اند، به اسلام و یک میلیارد و چند صد هزار مسلمان روی زمین نسبت نمی دهد، هرگز! البته بغیر از اسلام ستیزان و آن بنیادگرایان افراطی که از آدرس اسلام سخن می گویند و ضد اسلام عمل می کنند که خط فاشیستی شان با خطوط پاک و صاف انسانی و دین مبین اسلام کاملاً جدا و در تناقض است.

جوانان با شهامت وطن هوشیار باید بود که اگر ما از روی احساسات و سلیقه های قومی و تباری و حزبی و تنظیمی به رویدادها و رخدادهای کشور خود مثل گذشته برخورد نموده به همان روال ادامه بدهیم، یقین داشته باشیم که باز هم در واقع مسیر آب را مثل دریا (رود) هیرمند و آمو بسوی ایران و پاکستان و همسایه های شمالی و جنوبی روانه ساخته ایم و بدینوسیله زمینه های نفوذ مداخلات تخریبکارانه و خصمانه دشمنان را از چهار سو بیش از پیش باز هم بدست خود مهیا می سازیم. از اینرو در اینجا یک بار دیگر خدمت آن عده هموطنان عزیزی که در بیرون از کشور اقامت دارند دوستانه خواهش می کنم، التماس می کنم، که ما همه باید تا حد امکان و توان خویش هوشمندانه و با احتیاط تمام، به داخل وطن خود نگاه کنیم.

هموطن عزیز! یک کمی اندیشه کن، بخصوص من و تو و آنهایی که فارغ از فشار جنگ و جنجال های داخلی بخاطر همین جنگ خانمانسوز سالهاست دور از میهن، دور از شهر و دیار خود، دور از خواهر و برادر خود، دور از دوست و رفیق خود در بیرون در غربت بسر می بریم؛ بنام مهاجر و طالب و این و آن گاه و بیگاه تحقیر می شویم، توهین می شویم، بخاطر فساد و دزدی های میلیارد دالری رهبران و دولتمردان فاسد و بی همت کشور خود از اروپایی ها و سایر ملت های جهان حرف های کنایه آمیز می شنویم؛ و بخاطر انتحار و ترور و وحشت و جنایات طالبان از هر طرف حرف

های آزار دهنده می شنویم. پس خواهر، برادر در چنین شرایطی مصیبت بار، در چنین شرایطی که شمشیرهای خون چکان دشمنان مردم رنج دیده و مستضعف افغانستان از چهار سو پوست و گوشت این مردم بی دفاع و رنج دیده ما را سوراخ سوراخ نموده است و تا به استخوانهای نحیف و ضعیف شان رسیده، در چنین اوضاع نابسامان اگر خیر ما به هم میهنان ما در داخل کشور نمی رسد، حد اقل همت آنرا داشته باشیم که شر ما به این هموطنان دایم داغ دیده و هر دم شهید و سوگوار ما نرسد.

همدیار عزیز آخر تا به چه وقت بی اتفاقی؟

بس نبود، که در چهل سال گذشته بنام های خلقی و اخوانی و ستمی و شعله یی و پرچمی و طالب و جمعیتی و حزبی و کافر و مسلمان و کمونیست به هر عنوان و از هر آدرس یکدیگر خود را کشتیم؟ بیشتر از سه میلیون شهید دادیم.

برادر، خواهر تا به چه وقت این "ملت شهید پرور" به شهید پروری ادامه دهد؟ تا به چه وقت بنام های اوزبیک و پشتون و تاجیک و هزاره... شیعه و سنی و هندو و غیره به رخ هم شمشیر بکشیم و اطراف اقوام با هم برادر را مرز های خار دار بگیریم؟ بس است، قوم ستیزی بس است، مسلمان کشی بس است، انسان کشی بس است، آخر به لحاظ خدا دیگر این برادر کشی و خواهر کشی تا چه وقت ادامه می یابد؟

هموطن عزیز بخاطر داشته باش، خوب بخاطر داشته باش!

باز یک بار دیگر تأکید می کنم، هر قدر که جنگ تحمیلی در افغانستان را قومی بسازند به همان اندازه این جنگ به نفع دشمنان مردم افغانستان طولانی تر شده و سبب قوت گیری بیشتر طالبان و داعش و نفوذ بیشتر نظامیگران پاکستان، آخندهای ایران و سایر دشمنان در سراسر افغانستان و منطقه خواهد شد؛ پس آن پشتونی که آگاهانه به نفع طالب در تلویزیونها و رسانه ها و پارلمان تبلیغ می کند و همچنان آن تاجیک و هزاره و اوزبیک... که آگاهانه و عمداً طالب را مساوی به پشتون می داند هر دو در واقع در بی ثباتی و نا امن ساختن افغانستان مستقیم و غیر مستقیم دست دارند، هر دو جانب دشمن اردوی ملی افغانستان، دشمن پولیس ملی افغانستان و دشمنان قسم خورده مردم شریف و با دیانت افغانستان عزیز هستند، تردیدی ندارم که چنین اشخاص و افراد اکثراً مزدور بیگانه ها هستند و یقین دارم که بسیاری از آنها از بیگانه ها الهام می گیرند. بناً طالب اگر از پدر و مادر پشتون هم که زاده شده باشد غیرت پشتون را ندارد؛ چون لباس زنانه به تن نموده و در بین هموطنانش جاهلان خود را می کفاند، در حالی که ما طالب های غیر پشتون هم زیاد داریم، اما از قوم و تبار آنها کمتر گفته می شود و یا اصلاً یاد نمی شود. از جنگ قنذر اینجا و آنجا یاد می شود و از کشتار غیر پشتونها، اما این حقیقت مثل آفتاب روشن است از روزی که طالبها توسط حامیان بین المللی شان در افغانستان مطرح شده اند به اندازه که به برادران و خواهران پشتون ما خسارات مالی و جانی و فرهنگی را وارد ساخته اند به هیچ قوم و تباری در افغانستان چنین خساراتی را وارد نکرده اند، قول معروف است "جنایتکار ملیت ندارد" (ضرب المثل روسی) برادر خواهر قوم و تبار و مذهب در نزد دهشت افگنان ابزارهای بیش نیستند، آنهایی که جنایتکاران و تروریستها را استخدام می کنند هرگاهی که دل شان خواست از جاهلان دین استفاده می کنند، اگر نخواست و وقت و زمانش برایش مناسب نبود از جاهلان قوم و تبار، بدینوسیله اقوام و ملیت های با هم برادر یک کشور را یک سرزمین واحد را مثل که در اوکراین و یوگوسلاوی سابق کردند، ظالمانه به جان هم می اندازند.

سخن آخر،

ملتی که از ضعف و بی کفایتی رهبران و نخبگانش دایم در جنگ های تحمیلی و کشمکش های داخلی و خارجی بسر برد، آن ملت تا وقتی جنگ ادامه دارد، کماکان در گیر و بند مافیای قدرت و دزدان داخلی و خارجی پیوسته بگذشته کوله بار رنج و مشقت و زحمت را بدوش خواهد کشید، بنابراین تا

وقتی که مافیایی قدرت در افغانستان حاکم است این کشور روی ثبات و آرامی را نخواهد دید؛ چون در جریان چهارده سال اخیر تجربه نشان است که هم رهبران دولت اسلامی افغانستان و هم رهبران طالبان موجودیت و بقای شان را هر دو جانب در بی ثباتی و نا امنی کشور عزیز ما افغانستان عزیز می بینند. شوربختانه دوستان و دشمنان بین المللی افغانستان بعد از حادثه 11 سپتامبر 2001 و پیش از آن به هموطنان ما هم دولت تنظیمی - طالبانی ساختند و هم طالبان ضد تنظیم ها و دولت.

با درود و مهر وطنی ضیا باری بهاری